

دیجیتال (مجازی) مردم را آگاه کنیم که هر وعده و وعید را نپذیرند. چرایی و چگونگی کار را از کاندیداها بپرسند و آنها را آگاهانه انتخاب کنند. به نظر می‌رسد باین کار تا حدی بساط کاندیداها را آگاه و مردم فریب جمع خواهد شد.

**■ از نقش احزاب در انتخابات برایمان بگویید چرا در ایران حزب به معنای واقعی آن نداریم و اغلب فقط زمان انتخابات فعال اند؟ در حالی که انتظارها از احزاب چیز دیگری است.**

چند دلیل وجود دارد. اول اینکه گویا بخشی از سیستم مدیریت کشور علاقه‌ای به فعالیت احزاب ندارد و خیلی در این زمینه در این چهل سال فرهنگسازی نشده است. باید به هر حال بپذیریم که حزب از نشانه‌های بارز مردمسالاری است. مردمسالاری در کشور ما بسیار جوان است. قبل از انقلاب که اصلاً مردمسالاری نداشتیم، چند سالی هم درگیر جنگ بودیم بعدش هم مشکلات و معضلات دیگری داشتیم. دلیل دوم این است که یک گروه اقلیت اما بسیار پرنفوذ در کشور داریم که به وجود حزب معتقد نیستند. اگر به صحبت‌های برخی از دولتمردان دولت نهم و دهم دقت داشته باشیم خیلی شفاف می‌گویند ما به حزب معتقد نیستیم. وقتی که عالی‌ترین مقام‌های اجرایی معتقد به این موضوع نیستند قاعدتاً حزب نمی‌تواند شکل بگیرد. دلیل سوم هم فرهنگ ماست، فرهنگ سنتی ما خیلی حزب‌پذیر نبوده است. البته در مناطقی از کشور مثل آذربایجان کردستان و برهه‌هایی از تاریخ یک صد سال اخیر احزاب نسبتاً پرنفوذی شکل گرفته‌اند ولی بعداً به دلیل گوناگون از سپهر سیاسی کشور محو شده‌اند. اینها همه موانعی بوده که وجود داشته است. اما آنچه که امروز شاهدیم این که پیشتر گروه‌ها و محافل سیاسی که عنوان حزب را پیک می‌کشند عمدتاً شاکله کامل حزبی ندارند.

**■ به نظر شما در ایران کسانی که نمایندگی مردم را به عهده می‌گیرند می‌توانند به عنوان گروه‌های مرجع در جامعه شناخته شوند؟ تاکنون این اتفاق افتاده است؟ اصلاً تعریف ما از گروه‌های مرجع چیست؟**

گروه مرجع از نظر جامعه‌شناسی یک تعریف ساده اما روشن دارد و آن این است که مردم برای انجام کارها و سبک زندگی‌شان از فرد یا گروهی که او را قبول دارند پیروی و تبعیت کرده و کارها و برنامه‌هایشان را بر اساس نظر و رفتار آنان تنظیم می‌کنند. برای نمونه در کشور ما برخی از ورزشکاران برای برخی گروه مرجع محسوب می‌شوند. همچنین برخی از هنرمندان در این زمره قرار می‌گیرند. یا نمونه دیگر از پیروی مردم از گروه‌های مرجع در زمان حوادث مثل زلزله یا سیل است که گروه‌های مرجع اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مردمی کرده و مردم از این اقدام حمایت می‌کنند. در خصوص بخش دوم سؤال شما هم باید عرض کنم که به عقیده من ما در میان نماینده‌های مجلس و حتی شورای شهر بجز تعدادی اندک، گروه‌های مرجع نداریم. هنوز کسی در میان آنها این ویژگی کاریزما را کسب نکرده است. شما اگر بین مردم بروید و پرس و جو کنید بسیاری از مردم، نماینده‌های مجلس را گروه‌های مرجع خود نمی‌دانند. شاید خود نماینده‌ها معتقد باشند که گروه‌های مرجع هستند ولی در بین توده مردم گروه‌های مرجع نیستند. چون مردم خیلی سریع از این‌ها دل می‌کنند، همین مردمی که به این‌ها رأی دادند ممکن است شناختی هم به آنها نداشته باشند. مثلاً دوره قبل تمام لیست ۳۰ نفره تهران به اعتبار برخی از بزرگان رأی آوردند. اما اگر نگاه کنیم مردم خیلی از آنها را نمی‌شناسند و توقع و گلابه‌ای هم از آنها ندارند. پس این‌ها نمی‌توانند گروه مرجع مردم باشند به جز اندکی از میان آنها که حرف دل مردم را می‌زنند.

**■ چرا مردم گروه‌های مرجع خود را از سلب‌ریتی‌ها انتخاب می‌کنند؟ چون حرف دل مردم را می‌زنند یا شخصیت کاریزمایی دارند؟**

دونکته وجود دارد؛ نکته اول اینکه برخی از این‌ها گویا صدای رسای مردم هستند درباره مشکلاتی که مردم دارند و کسی صدای آنها را نمی‌شنود یا کسی نمی‌خواهد بشنود. در این میان برخی سلب‌ریتی‌ها می‌آیند و با مردم هم‌سو می‌شوند. حرف دل مردم را می‌زنند. این نشان

دهنده این نکته است که کانال ارتباط مردم و مسئولان روغن کاری نیاز دارد و مردم به دنبال کانال‌هایی می‌گردند که صدایشان را به گوش دولتمردان برسانند، نکته دوم که بسیار مهم و حساس است بحث عدم تخصص اغلب قریب به اتفاق سلب‌ریتی‌ها در امور غیر حرفه‌ای خودشان است. عمدتاً این‌ها افرادی هستند که گرچه در حوزه کاری خودشان تخصص دارند اما برخی اظهار نظرهایشان نشان می‌دهد در مسائل اختصاصی و بحث‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، آموزشی و... این‌ها صاحب نظر نیستند، مطالعه و تخصص ندارند. یک وقتی از سروظیفه، هیجان و احساسات موضوع یا نظری را مطرح می‌کنند و این بعدها در درسی می‌شود. بهتر این است یا سلب‌ریتی افکار و اندیشه‌اش را برای خودش محفوظ نگه دارد یا اگر به عنوان یک شهروند مسئول احساس می‌کند مسئولیت اجتماعی دارد و قرار است اظهار نظر کند، بهتر است قبل از اظهار نظر از متخصصان هر حوزه مشاوره بگیرد. این گروه باید احتیاط کنند زیرا از آنجایی که حرف و نظر آنها در جامعه اثرگذار است و اگر حرف نامربوط یا غیر علمی بنزد ممکن است مردم به در درسر بیفتند، باید با مطالعه همه‌جانبه نظر بدهند چون قشر وسیعی حرف و سخن آنان را سند می‌دانند.

**■ به عنوان یک جامعه‌شناس مشکلاتی که امروز جامعه ما با آن بیش از همه درگیر است و کاندیداها باید برای آن ایده داشته باشند، چیست؟**

اولین گامی که قاعدتاً آنها باید بردارند برنامه‌ریزی روی نیروی انسانی است که این خود در بلندمدت پاسخ خواهد داد. واقعیت امر این است که ما در کشور مشکل مدیریت داریم و این بحران اصلی و حلقه مفقوده بسیاری از مشکلات ماست. دوم اینکه در حقیقت نوعی بهینه‌کردن سیاست‌های کلان کشور است. برخی از سیاست‌های کلان کشور و راه‌های کاهش تنش با دنیای بیرون، این میزان از تحریم و این میزان از درگیری‌های روزمره تنش‌های ریز و درشت، توان کشور را هدر می‌دهد. برجام هر چند ناقص اما یک الگوی نسبتاً مناسب است، نمایندگان باید روی این مسائل کار کنند، این یکی از بحث‌های مهم می‌تواند باشد که نماینده‌های مجلس به دلیل داشتن جایگاه رفیع‌شان در پارلمان می‌توانند داشته باشند و بسیار مؤثر باشد. مسائل اقتصادی و معیشت

مردم، یک الگوی مناسب بومی با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی برای توسعه پایدار از اهم کارهایی است که مجلس آینده باید انجام دهد. نکته بعدی که اهمیت دارد این است که وقتی نماینده در مجلس قرار گرفت یادش باشد که نماینده حوزه انتخابیه خودش نیست بلکه نماینده حدود ۸۰ میلیون ایرانی است چون هر تصمیم و هر رأی که می‌دهد در حقیقت روی آحاد مردم جامعه اثر می‌گذارد. نکته بعدی حضور افراد متخصص است. امروز در مجلس ما نیاز به انسان‌های متخصص داریم نه انسان‌های با مدرک تحصیلی. در کشور ما افراد با مدرک تحصیلی زیاد است. نیاز امروز ما آدم‌های با تجربه و متخصص در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، آموزشی، امنیتی و نظامی و امثال اینهاست. ما به اینچنین آدم‌هایی نیاز داریم. آخرین نکته اینکه وقتی نماینده مجلس انتخاب شد باید واقعاً منافع جمعی را بر منافع فرد و گروه خودش ترجیح دهد. بی‌تعارف عرض می‌کنم که این گروه گرایی‌ها پدیدار این جامعه را در آورده است و این نگاه به جمع می‌تواند کمک کند برای اینکه این قضیه کم‌رنگ‌تر شود.